



تجربه چین در سین کیانگ برای مدیریت مناطق مرزی و اقلیت اویغور

■ دکتر سالار سیف الدینی^(۱)

وضعیت، کنترل دولت بر مسیرهای اقتصادی و مرزی را دشوار می‌ساخت و تهدیدی برای انسجام ملی چین به‌شمار می‌رفت. نارضایتی قومی در استان سین کیانگ ریشه‌ای تاریخی دارد که به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بازمی‌گردد؛ زمانی که امپراتوری چین (۱۹۱۲) در حال فروپاشی بود و گروه‌های ترک‌تبار مسلمان به‌ویژه اویغورها، برای

● درآمد

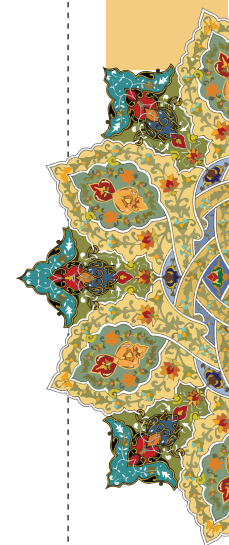
منطقه سین کیانگ در شمال غرب چین با مساحتی حدود ۱.۶ میلیون کیلومتر مربع و جمعیتی بیش از ۲۵ میلیون نفر، عمدتاً محل سکونت اویغورها، قزاق‌ها و دیگر اقلیت‌ها است. این منطقه به لحاظ ژئوپلیتیکی اهمیت بالایی دارد؛ زیرا هم با چند کشور آسیای مرکزی مرز دارد و هم مسیر حیاتی برای کمربند اقتصادی «جاده ابریشم جدید» موسوم به یک کمربند - یک راه است؛ اما حکومت چین برای پیشبرد طرح‌های ترانزیتی و ژئواکونومیکی خود به ثبات سیاسی و قومی در این ایالت نیاز داشت و باید به فعالیت گروه‌های تبهکار، مافیای قومی و نهادهای موازی منطقه‌ای پایان می‌داد. ریشه نارضایتی‌های قومی در سین کیانگ ترکیبی از عوامل تاریخی، اقتصادی و هویتی است که از اول تاریخ حاکمیت مرکزی ضعیف و دوره‌های خودمختاری محلی باعث شده که بخشی از اقلیت‌های ترک‌تبار نسبت به دولت مرکزی حس بی‌اعتمادی داشته باشند؛ دوم، سیاست‌های مهاجرت داخلی و توسعه شهری که عمدتاً از هان‌ها حمایت می‌کرد سبب تغییر موازنه فضایی و اقتصادی شد؛ سهم اویغورها در اشتغال، مالکیت زمین و درآمد سرانه نسبت به هان‌ها محدود بود. سوم، هویت دینی و زبانی که با اسلام و زبان ترکی مرتبط است به‌عنوان محور گفت‌وگوهای محلی و جنبش‌های واگرا برجسته شد و در شرایط عدم توسعه متوازن، زمینه بالقوه‌ای برای شکل‌گیری شبکه‌های مخالف دولت ایجاد کرد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که احساس محرومیت نسبی اقتصادی و فرهنگی، در کنار مرزهای طولانی و سخت قابل کنترل، عامل اصلی بروز تنش‌ها بوده است.^(۲)

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، این منطقه شاهد شکل‌گیری گروه‌های شبه‌نظامی محلی و فعالیت‌های مذهبی و سیاسی مخالف دولت بود. این جریان‌ها ابتدا به فعالیت‌های محلی و فرهنگی محدود بودند؛ اما با توسعه شبکه‌های مهاجران و حمایت پراکنده از خارج، ظرفیت سازمان‌دهی خشونت و نفوذ در اقتصاد غیررسمی پیدا کردند. از نظر ژئوپلیتیکی، این

از دهه ۱۹۹۰ و به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ظهور دولت‌های ترک‌زبان جدید در آسیای مرکزی باعث تقویت احساسات هویت‌طلبانه در سین کیانگ شد.

نخستین بار ایده استقلال یا خودمختاری را مطرح کردند. این روند با شکل‌گیری دو جمهوری مستعجل ترکستان شرقی در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۴۴ اوج گرفت که با مداخله نظامی دولت مرکزی چین و حمایت اتحاد شوروی سرکوب شدند. پس از تأسیس جمهوری خلق چین در ۱۹۴۹، سیاست‌های دولت مرکزی بر گسترش فرهنگ ملی، تنوع‌دهی به ترکیب جمعیتی استان بزرگ سین کیانگ و کنترل شدید فرهنگی و مذهبی متمرکز شد که موجب تشدید احساس بیگانگی در میان اویغورها گردید. از دهه ۱۹۹۰ و به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ظهور دولت‌های ترک‌زبان جدید در آسیای مرکزی باعث تقویت احساسات هویت‌طلبانه در سین کیانگ شد.

● **اشتباهات حکمرانی چین در بروز جدایی‌طلبی اویغور**
در دهه‌های نخست حکومت حزب کمونیست، سیاست قومی در منطقه سین کیانگ بر مبنای اعطای نوعی خودمختاری رسمی به اویغورها بنا شد. ساختار اداری به ظاهر قومی طراحی شد؛ به‌گونه‌ای که ایالت خودمختار اویغور در سین کیانگ تشکیل شد، مدارس دوزبانه، گسترش رسانه‌های محلی به زبان اویغوری و مؤسسات فرهنگی محلی ایجاد شدند و حتی





در برخی سطوح ادارات محلی سهمیه‌هایی برای مدیران بومی در نظر گرفته شد؛ اما این خودمختاری از نظر اویغورها فقط صوری بود و تصمیم‌گیری واقعی در دست حزب کمونیست مرکزی باقی ماند؛ بنابراین، ساختار خودمختاری و نهادی‌سازی تفاوت هویتی به گونه‌ای شکل گرفت که هم قصد داشت ایدئولوژی دولت مرکزی و هم هویت محلی را تقویت کند؛ در واقع، این سیاست نوعی «نهادینه‌سازی تفاوت» بود. هویت اویغوری در قالب نهادهای رسمی اما جدا از بدنه ملی چین بازتولید شد، بدون آنکه در چهارچوب هویت واحد چینی ادغام شود؛^(۳) اما نهادهای محلی فاقد ظرفیت کافی برای این امر بودند که

بسیاری از نیروهای امنیتی، پلیس محلی و مدیران اداری در سین‌کیانگ از میان اویغورها بودند و به دلیل پیوندهای قومی و خویشاوندی، در قبال رشد آرام ناسیونالیسم محلی، نوعی تساهل و مماشات نشان دادند.

هم سطح مطالبات قومی را افزایش می‌داد و هم به دلیل فقدان ظرفیت، موجب نارضایتی می‌شد. برای مثال، یکی از نکات مهم در آموزش دوزبانه محلی این بود که تعداد معلمان بومی دوزبانه به مقدار کافی نرسید. این کمبود معلم که توانایی تدریس، هم به زبان رسمی و هم زبان محلی اویغور را داشته باشد، یکی از موانع عمده اجرای واقعی آموزش بومی بود که موجب نارضایتی شد.^(۴)

این وضعیت سبب شد که نسل‌های جدید اویغورها در یک محیط نهادی و آموزشی رشد کنند که به جای تقویت حس تعلق به ملت چین، بر تفاوت هویتی آن‌ها تأکید می‌کرد. نهادهایی مانند اتحادیه نویسندگان اویغور، رسانه‌های بومی اویغوری و مراکز دینی، به عنوان نهادهای موازی فرهنگی، عملاً فضای بسته و مستقلی برای بازتولید ناسیونالیسم قومی پدید آوردند. هم‌زمان، بسیاری از نیروهای امنیتی، پلیس محلی و مدیران اداری در سین‌کیانگ از میان اویغورها بودند و به دلیل پیوندهای قومی و خویشاوندی، در قبال رشد آرام ناسیونالیسم محلی، نوعی تساهل و مماشات نشان دادند. این همان خلأ انضباط ملی بود که حزب کمونیست چین دیر متوجه آن شد و تازمانی که نشانه‌های علنی خشونت‌گرایی و تروریسم آشکار نشد، برای مهار نهادهای فرهنگی و دینی موازی اقدامی نکرد. داده‌های رسمی دولت چین نشان می‌دهند که در سال ۲۰۱۹ تقریباً ۴۲۷,۰۰۰ مقام محلی از اقلیت‌های قومی در سین‌کیانگ وجود داشته‌اند، از جمله فرمانداران ایالت

خودمختار و رؤسا و مدیران محلی.^(۵) در سال ۲۰۱۵ منطقه آکسو اعلام کرده که نیاز به بیش از بیست هزار معلم با توانایی هر دو زبان دارد، حقوق معلمان برای جذب آنان افزایش یافته است، ولی هنوز کمبود بزرگ وجود دارد.^(۶) از سوی دیگر، گزارش‌ها نشان می‌دهد که جذب معلم دوزبانه‌ی بیشتر در مدارس، ریسک‌های امنیتی را برای چین افزایش می‌دهد. برای مثال فقط در سال ۲۰۱۷ حدود بیست معلم دوزبانه اویغور به دلیل فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه دستگیر شده‌اند که نشانه سیاسی شدن آموزش دوزبانه در مدتی کوتاه است.^(۷) بدین ترتیب، حزب کمونیست با نیت مهار ناسیونالیسم، ناخواسته «بستری نهادی» برای بازتولید یک هویت جدا از چین ایجاد کرد؛ در حالی که ادغام واقعی و ملی‌سازی هویت محلی صورت نگرفت. هنگامی که موجی از خشونت‌های قومی و حملات تروریستی در دهه ۲۰۰۰ میلادی رخ داد، کمیته مرکزی حزب به این نتیجه رسید که «نهادهای محلی» نه تنها مانع از رشد قوم‌گرایی نشده‌اند، بلکه خود به شکلی پنهان آن را بازتولید کرده‌اند. از آن پس، سیاست‌ها به سمت تمرکزگرایی شدید، نظارت امنیتی فراگیر، سرکوب نهادهای فرهنگی مستقل و مهندسی اجتماعی برای جذب اجباری اویغورها در فرهنگ ملی تغییر یافت؛ اما این چرخش زمانی آغاز شد که جنبش جدایی‌طلبی عملاً در حال شکل‌گیری بود و ریشه‌های نهادی آن در نظام آموزشی و فرهنگی چند دهه گذشته تنیده شده بود. بر این اساس، سیاست محلی با اعطای خودمختاری صوری و ایجاد نهادهای فرهنگی و آموزشی محلی، به صورت نامناسبی زمینه‌ساز بازتولید تفاوت قومی شد؛ بدون آنکه

تجربه سین‌کیانگ درس روشنی برای سیاست‌گذاران فراهم می‌کند: امنیت، آموزش، رسانه و توسعه باید به صورت هم‌زمان و هماهنگ مدیریت شوند تا انسجام ملی تقویت شود و زمینه‌های قوم‌گرایی محدود گردد.

آموزش، رسانه و فرهنگ محلی به درون فرایند ادغام ملی کشیده شود. این خلأ مقررات منسجم باعث شد که این نهادهای محلی در عمل به جولانگاه هویت قومی بدل گردند.

● **نقش ترکیه در ایجاد چالش‌های قومی در سین‌کیانگ**
ترکیه نقش مهمی در مشروعیت‌بخشی نمادین و فرهنگی به مطالبات اویغورها ایفا کرد؛ از دهه ۱۹۵۰ به بسیاری از رهبران تبعیدی اویغور پناه داد، فعالیت انجمن‌ها و مدارس اویغوری را در خاک خود مجاز دانست و از دهه ۱۹۹۰



به حساسیت موضوع، چین در سال‌های بعد استراتژی گسترده‌ای را برای محدود کردن نفوذ ترکیه در پیش گرفت؛ از جمله کنترل شدید اقتصادی، نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی و اعمال سیاست‌های امنیتی سختگیرانه.

● مرحله بحرانی و شدت‌گیری نارضایتی‌ها

بحران زمانی اوج گرفت که گروه‌های محلی با بهره‌گیری از ضعف نظارت و پراکندگی جمعیت، شبکه‌هایی از اقتصاد غیررسمی، آموزش دینی و سازمان‌دهی اجتماعی موازی ایجاد کردند. این شبکه‌ها در مناطقی مانند ایالت‌های جنوبی سین‌کیانگ و اطراف اویغورستان توانستند پایگاه‌های محلی خود را تثبیت کنند. گزارش‌های امنیتی نشان می‌دهد که تا اوایل دهه ۲۰۰۰، فعالیت‌های خشونت‌آمیز پراکنده، ترورهای هدفمند، بمب‌گذاری و اعتراضات خیابانی در مقیاس کوچک افزایش یافته بود و دولت چین نسبت به گسترش این شبکه‌ها و خطر تجزیه‌طلبی هشدار داده بود. در این مرحله، دو روند مهم دیده شد: اول، مهاجرت گروه‌های هان به مناطق شهری سین‌کیانگ باعث افزایش شکاف اقتصادی و هویت فرهنگی شد؛ دوم، مقایسه با

سیاست محلی با اعطای خودمختاری صوری و ایجاد نهادهای فرهنگی و آموزشی محلی، به صورت نامناسی زمینه‌ساز بازتولید تفاوت قومی شد؛ بدون آنکه آموزش، رسانه و فرهنگ محلی به درون فرایند ادغام ملی کشیده شود.

کشورهای همسایه و جریان‌های بین‌المللی اسلامی، هویت قومی - دینی را به یک عامل تقویت‌کننده تمایز و نارضایتی تبدیل کرد. این روند، حساسیت ژئوپلیتیکی چین به مرزهای طولانی و مسیرهای ترانزیتی منطقه را دوچندان می‌کرد.

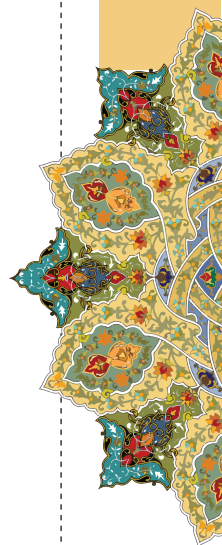
● استراتژی دولت چین در مدیریت مسئله سین‌کیانگ؛ ترکیب توسعه و امنیت ملی

در استان سین‌کیانگ چین، ترکیب سیاست‌های امنیتی سختگیرانه با توسعه اقتصادی هدفمند، به منظور حفظ یکپارچگی ملی و مقابله با تهدیدات امنیتی در پیش گرفته شده است. این رویکرد شامل دو محور اصلی توسعه اقتصادی و امنیتی است؛ کما اینکه پکن در دهه‌های اخیر سه استراتژی هم‌زمان را در این خصوص اجرا کرده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

با بهره‌گیری از پیوندهای زبانی و قومی، تلاش کرد نفوذ فرهنگی خود را در آسیای مرکزی و سین‌کیانگ گسترش دهد. با این حال، ترکیه همواره میان منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی در روابط با چین و فشار افکار عمومی ملی‌گرا بر سر مسئله اویغورها در نوسان بوده است. در دهه‌های اخیر، در حالی که آنکارا رسماً استقلال یا جدایی سین‌کیانگ را پشتیبانی نکرده، اما از طریق نهادهای غیردولتی، رسانه‌ها و گفتمان پان‌ترکی، به شکل غیرمستقیم هویت ترک‌تبار اویغورها را تقویت کرده است. ورود ترکیه به استان سین‌کیانگ با سرمایه‌گذاری‌های

حزب کمونیست با نیت مهار ناسیونالیسم، ناخواسته «بستری نهادی» برای بازتولید یک هویت جدا از چین ایجاد کرد؛ در حالی که ادغام واقعی و ملی‌سازی هویت محلی صورت نگرفت.

اقتصادی خُرد آغاز شد؛ به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰ و پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی، زمانی که ترکیه کوشید نفوذ فرهنگی و اقتصادی خود را در آسیای مرکزی و مناطق ترک‌زبان توسعه دهد. در این دوره، شرکت‌ها و بانک‌های ترکیه با هدف بهره‌برداری از بازار مصرف و منابع خام سین‌کیانگ و ایجاد پل ارتباطی با جمهوری‌های ترک‌زبان آسیای مرکزی وارد این استان شدند. در کنار این فعالیت‌های اقتصادی، دولت ترکیه برنامه‌های بورسیه تحصیلی برای جوانان، تأسیس مدارس ترک‌زبان و گسترش مبادلات فرهنگی را تشویق کرد. این روند، هرچند در ظاهر اقتصادی بود؛ اما به‌طور غیرمستقیم به تقویت گرایش قومی در میان اویغورها انجامید؛ زیرا ارتباط با ترکیه آنان را با گفتار پان‌ترکی و به اصطلاح میراث مشترک ترک‌تباران آشنا ساخت. این تعاملات اقتصادی، به‌ویژه در حوزه تجارت کالا و «سرمایه‌گذاری‌های کوچک»، به گسترش شبکه‌ای فراملی از پیوندهای پان‌ترکی مستقل از دولت مرکزی چین انجامید. هم‌زمان، ترکیه از طریق رسانه‌ها، مؤسسات آموزشی و سازمان‌های فرهنگی، نفوذ فرهنگی چشمگیری در میان اویغورها ایجاد کرد. این نفوذ، با ارائه الگوهای آموزشی و فرهنگی ترک، موجب شد نسل‌های جوان‌تر اویغورها به شکلی فزاینده به سمت کشوری بیگانه گرایش پیدا کنند. در مرحله نخست، دولت چین این نفوذ اقتصادی و فرهنگی را دست‌کم گرفت. همین بی‌توجهی زمینه شکل‌گیری شبکه‌های اقتصادی و فرهنگی موازی با دولت مرکزی را فراهم کرد و به افزایش ظرفیت سازمان‌دهی اجتماعی و هویتی اویغورها انجامید؛ اما با توجه





۱- کنترل امنیتی

دولت چین با ایجاد فرماندهی مرکزی مؤثر و شبکه‌های اطلاعاتی گسترده، امکان پایش مستمر مناطق حساس و شناسایی فعالیت‌های واگرا را فراهم کرده است. در کنار آن، ساختارهای موازی قدرت و نهادهای فرهنگی یا مذهبی خارج از چهارچوب قانونی محدود یا سرکوب شده‌اند تا از رشد قوم‌گرایی و تجزیه‌طلبی پیشگیری شود. آموزش و رسانه‌ها تحت نظارت قرار گرفته‌اند تا زبان ملی (ماندارین) و ارزش‌های مشترک هویتی ترویج شوند و برنامه‌های بازآموزی و ارتقای آگاهی ملی، شهروندان اقلیت را با چهارچوب قانونی و اقتصادی دولت هماهنگ کنند.

۲- توسعه اقتصادی و زیرساختی

هم‌زمان با سیاست‌های امنیتی، توسعه اقتصادی و زیرساختی نیز در دستور کار قرار گرفته است. سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل، شهرک‌های صنعتی، انرژی و صنایع مرتبط، ایجاد فرصت‌های اشتغال محلی و ارتقای خدمات آموزشی، درمانی و اجتماعی، تفاوت محسوس میان جمعیت اقلیت و جمعیت هان را کاهش داده است. هدایت اقتصاد غیررسمی به مسیرهای قانونی، وابستگی به شبکه‌های محلی موازی را محدود کرده است.

۳- پاکسازی سیاسی و نظارت امنیتی بیشتر

در چند دهه گذشته، مقامات سیاسی، امنیتی و شهری در استان سین‌کیانگ چین به دلیل اتهامات مرتبط با قوم‌گرایی، تجزیه‌طلبی و ارتباط با کشورهای خارجی، از سمت‌های خود برکنار یا بازداشت شده‌اند. این اقدامات بخشی از سیاست‌های

سازوکارهایی چون اعطای خودمختاری، بومی‌گزینی مدیران در سطوح محلی، ایجاد مدارس دوزبانه و رسانه‌های محلی و حمایت از نهادهای فرهنگی اویغور، نه تنها به ادغام ملی منجر نشد بلکه به تدریج، هویت اویغوری را از بستر ملی جدا و به یک هویت سیاسی بالقوه معارض تبدیل کرد.

دولت چین برای مقابله با تهدیدات امنیتی و حفظ یکپارچگی ملی است. یکی از موارد برجسته، محکومیت و بازداشت مقامات ارشد اویغور به اتهام تجزیه‌طلبی و ارتباط با گروه‌های مخالف است. به‌عنوان مثال، «شیرزات باودون»، معاون سابق دادگاه عالی سین‌کیانگ، به اتهام «برنامه‌ریزی طولانی‌مدت برای تجزیه کشور» و «همکاری با گروه‌های تروریستی» به همراه دو تن دیگر از مقامات این ایالت به اعدام محکوم شد.^(۸) همچنین، «ستار ساوت»، مدیرکل سابق اداره آموزش

سین‌کیانگ، به دلیل انتشار کتب درسی که به گفته مقامات، به نفرت‌پراکنی میان اقوام منجر شده بود، به اعدام محکوم شد و پنج تن دیگر از مقامات آموزشی این ایالت دستگیر شدند. اتهام آن‌ها نوشتن کتاب درسی به زبان محلی با محتوای «تجزیه‌طلبانه» بود. خبرگزاری دولتی شینهوا گزارش داد که

در دهه‌های اخیر، درحالی‌که آنکارا رسماً استقلال یا جدایی سین‌کیانگ را پشتیبانی نکرده، اما از طریق نهادهای غیردولتی، رسانه‌ها و گفت‌وگو با پان‌ترکی، به شکل غیرمستقیم هویت ترک‌تبار اویغورها را تقویت کرده است.

این مدیرکل آموزشی به تشکیل یک گروه و برنامه‌ریزی به همراه معاونش برای گنجاندن «ایده‌های خونین، خشونت‌آمیز، تروریستی و جدایی‌طلبانه» در کتاب‌های درسی مدارس ابتدایی و متوسطه متهم شده است که قدمت این گروه به سیزده سال پیش بازمی‌گردد. در گزارش پپل دیلی آمده است: «[ستار و متهمان دیگر] با تغییر و تحریف تاریخ، سعی کردند ایده‌های جدایی‌طلبانه را به دانش‌آموزان القا کنند، نفرت ملی را افزایش دهند و به هدف تجزیه سرزمین مادری دست یابند». طبق گزارش گاردین، برخی از بخش‌ها و تصاویر کتاب درسی به فصلی از تاریخ سین‌کیانگ در دهه ۱۹۴۰ و دولت کوتاه‌مدت جمهوری ترکستان شرقی اشاره دارد.^(۹) ترکیب این سه رویکرد منجر به محدود شدن پایگاه‌های شورشی و کاهش نفوذ گروه‌های واگرا شده است. مشارکت اقتصادی و اجتماعی اقلیت‌ها در چهارچوب دولت افزایش یافته و حس تعلق ملی و عقل جمعی تقویت شده است. در نتیجه، مقایسه‌های منطقه‌ای با آن‌سوی مرزها، مانند کشورهای آسیای مرکزی، به نفع دولت مرکزی تغییر کرده است. این مدل امنیتی یعنی ترکیب امنیت سختگیرانه همراه با توسعه اقتصادی هدفمند نشان می‌دهد که همبستگی ملی بدون دیسپلین و ابزارهای کنترلی ناکافی است و توسعه اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند شکاف‌های قومی را کاهش دهد. تجربه سین‌کیانگ درس روشنی برای سیاست‌گذاران فراهم می‌کند: امنیت، آموزش، رسانه و توسعه باید به صورت هم‌زمان و هماهنگ مدیریت شوند تا انسجام ملی تقویت شود و زمینه‌های قوم‌گرایی محدود گردد.

● برآیند

سیاست‌های دولت چین در طی دهه‌های گذشته، با هدف مدیریت تنوع قومی و کاهش تنش‌ها، در عمل به نهادینه‌سازی



ملی را تقویت نکرد، بلکه با ارتقای سطح مطالبات و مشروعیت‌بخشی به مرزهای هویتی، شکاف‌های قومی را تشدید و مسیر را به‌سوی تقابل و سرکوب خشونت‌آمیز هموار کرد.

یادداشت‌ها

- ۱- دانش‌آموخته رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.
- 2- Bovingdon, 2010; Clarke, 2011.
- 3- Smith, J. (2019). «Ethnic Autonomy and the Paradox of Integration: The Uyghur Question in Xinjiang.» *Journal of Contemporary China*, 28(117), 857–873.
- 4- Qi Zhang, Ting Yang (2018); *Reflections on the medium of instruction for ethnic minorities in Xinjiang: the case of bilingual schools in Urumqi*, *International Journal of Bilingual Education and Bilingualism*, pp.50-71.
- 5- Xinjiang Development Research Center (2020); *Press conference on Xinjiang-related issues on April 29, 2020*, http://english.scio.gov.cn/xinjiangfocus/2020-04/29/content_77231445.html.
- 6- Xinjiang's Aksu expands bilingual schools (2015); <https://www.globaltimes.cn/content/957360.shtml>.
- 7- Radio Free Asia (2025); *Over 2 dozen teachers at Aksu school sentenced to prison in Xinjiang*, 24 Feb 2025, <https://www.rfa.org/english/uyghur/2025/02/24/uyghur-teachers-detained-aksu/>
- 8- Radio Free Asia (2024); *Condemned Uyghur official dies in prison in China's Xinjiang region: Shirzat Bawudun, once a senior government official, was sentenced to death in 2021*, 22 Oct 2024, <https://www.rfa.org/english/uyghur/2024/10/22/uyghur-death-in-prison/>
- 9- The Guardian (2021) *China hands death sentences to Uyghur former officials*, 9 Apr 2021, <https://www.theguardian.com/world/2021/apr/09/china-uyghur-death-sentences-xinjiang-education-directors>.

تفاوت‌ها و تقویت مرزبندی‌های هویتی منجر شد. حکومت چین ابتدا فرض کرد که با دادن اختیارات و حقوق جمعی (قومی) به این منطقه گسترده می‌تواند گرایش واگرایانه اویغورها را مهار کند و در خدمت حزب کمونیست قرار دهد؛ زیرا بر این پندار بود که دادن اختیارات و حقوق جمعی موجب مدیون شدن مردم اویغور خواهد شد و از طرف دیگر، به خلع سلاح شدن نخبگان پان‌ترک و تهی شدن ابزار هویتی پیکار سیاسی آن‌ها منجر خواهد شد؛ اما نتیجه کاملاً معکوس شد و در عرض چند دهه، کنترل سین‌کیانگ از دست دولت چین خارج شد و پکن مجبور شد با هزینه داخلی و بین‌المللی بیشتر، مجدداً کنترل این استان را به دست بگیرد.

سازوکارهایی چون اعطای خودمختاری، بومی‌گزینی مدیران در سطوح محلی، ایجاد مدارس دوزبانه و رسانه‌های محلی و حمایت از نهادهای فرهنگی اویغور، نه تنها به ادغام ملی منجر نشد بلکه به تدریج، هویت اویغوری را از بستر ملی جدا و به یک هویت سیاسی بالقوه معارض تبدیل کرد. این سیاست‌ها با تثبیت نهادی تمایزات، احساس «ملت جداگانه بودن» را بازتولید کردند و سطح مطالبات را از صرف بهبود اقتصادی فراتر برده و به مطالبه خودمختاری واقعی و حتی استقلال سوق دادند.

افزون بر این، چون تصمیم‌گیری واقعی همچنان در دست حزب مرکزی باقی مانده بود، این شکاف میان «اختیارات رسمی محلی» و «اقتدار واقعی مرکزی» نوعی سرخوردگی ساختاری ایجاد کرد. نهادهای بومی مانند اتحادیه نویسندگان اویغور، انجمن‌های دانشجویی و مراکز دینی در یک فضای نیمه‌بسته رشد کردند؛ اما بدون انضباط و نظارت مؤثر از سوی مرکز، تبدیل به بسترهایی برای بازتولید گفتار قوم‌گرایانه

در استان سین‌کیانگ چین، ترکیب سیاست‌های امنیتی سختگیرانه با توسعه اقتصادی هدفمند، به‌منظور حفظ یکپارچگی ملی و مقابله با تهدیدات امنیتی در پیش گرفته شده است.

شدند. در نتیجه، به‌جای کاهش شکاف قومی، این سیاست‌ها با تقویت انسجام درون‌گروهی و تمایز از جامعه ملی، دوگانگی مرکز - پیرامون را عمیق‌تر کردند. این فرایند نهایتاً موجب شد که مطالبات اویغورها از سطح حقوق فرهنگی به‌سوی خواستار حاکمیت بومی، کنترل منابع و نهایتاً تجزیه‌طلبی میل کند و از نگاه دولت مرکزی، تهدیدی امنیتی جلوه نماید. بدین ترتیب، سیاست نهادینه‌سازی تفاوت‌ها نه تنها همبستگی

